

women's individual rights in the iranian society and matching the rights of Egypt

there has been a lot of research on women's rights, but research on their proprietary rights has not been made comprehensive and comprehensive research is necessary and it is necessary to investigate the specific rights of women in the iranian and iranian society. Therefore, the purpose in this study is to answer the question of what specific rights women are in the Iranian and Iranian society and what they have to be shared and differential. therefore, according to the method of library collection and descriptive and analytical method, it is concluded that the individual rights of women in iranian society good collision: dowry payments, alimony, and. that is to say, men have a role to pay the women's dowry and take the necessities of their wives and do their best in life, otherwise the legislator will compel them to do their homework. In Egypt, women's rights are treated like Iran's rights, but women do not have exclusive rights in Egypt's rights, but dowry, alimony, and good collision of women's public rights in that society, and there are legal obligations to play them

keywords: private rights of women, iranian society, egypt society, Islamic figh

ماهنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران،
سال پنجم، شماره ۵۵، دی ۱۴۰۱، صص ۳۶۳-۳۷۵

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.334411.3282>

حقوق اختصاصی زنان در جامعه ایران و تطبیق با حقوق مصر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

سارا پزشکی^۱

سیدعلیرضا حسینی

محمد حسین ناظمی اشنی^۲

چکیده

در مورد حقوق زنان تحقیقات زیادی به عمل آمده است ولی تحقیق در مورد حقوق اختصاصی آنان تحقیق جامع و مفصلی صورت نگرفته است از این رو لازم و ضروری است که در مورد حقوق اختصاصی زنان در جامعه ایران و مصر تحقیق صورت گیرد. بنابراین هدف در این تحقیق پاسخ به این سوال است زنان در جامعه ایران و مصر دارای چه حقوق اختصاصی هستند و چه وجه اشتراک و افتراقی دارند؟ لذا با توجه به روش جمع‌آوری کتابخانه‌ای و روش توصیفی و تحلیلی به این نتیجه رسیده است که حقوق اختصاصی زنان در جامعه ایران عبارتند از: پرداخت مهریه و نفقه و حسن معاشرت می‌باشد. یعنی مردان وظیف دارند که مهریه زنان را پرداخت کنند و مایحتاج همسر خود را تامین کنند و در زندگی با آنها از لحاظ رفتار و کردار به نحو احسن برخورد کنند وگرنه قانونگذار آنها را ملزم به ایفای تکالیف خود می‌کند. در حقوق مصر نیز حقوق زنان مثل حقوق ایران رعایت می‌شود ولی زنان در حقوق مصر دارای حقوق اختصاصی نیستند بلکه مهریه، نفقه و حسن معاشرت از حقوق عمومی زنان در آن جامعه است و الزاماتی قانونی نیز برای ایفای آنها وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: حقوق اختصاصی زنان، جامعه ایران، جامعه مصر، فقه اسلام.

دانشجوی دکترای تخصصی رشته الهیات و معارف اسلامی، گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران^۱

استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران^۲ (نویسنده مسئول)

استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، سمنان، ایران^۳

خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اعتباری جامعه و در عین حال گسترده‌ترین آن می‌باشد که قوام آن مبتنی بر پیوند پذیرفته شده میان زن و مرد است. نقش مستقیم و غیرمستقیم خانواده بر نوع مسائل اجتماعی و مسئولیتی که از این منظر متوجه نهادها و اشخاص اداره کننده جامعه است و تنها در سایه زندگی اجتماعی انسان معنا دارد. انسان‌ها به علت تمایز خواسته‌ها و اهداف خود در زندگی اجتماعی به سرعت دچار اختلاف و کشمکش و تعرض به حدود و حقوق یکدیگر می‌شوند و نیاز افراد به زندگی اجتماعی باعث پیدایش برخی مقررات به منظور نظم بخشیدن به این نظام می‌شود و چنین نیست که انسان بتواند در برابر مسائل حیاتی جامعه رها و بی‌قید باشد. از این رو در اسلام قوانینی وضع شده است که اداره جامعه میسر باشد. دین اسلام برای خانواده‌ها قوانین و احکام خاصی وضع کرده است تا زوجین به راحتی بتوانند در سایه این قوانین به تربیت خود و فرزندان خود روی آورند.

در دین اسلام به حقوق زنان زیاد اهتمام ورزیده شده است لذا نسبت به مردان برخی حقوق اختصاصی مثل مهریه، نفقه و حسن معاشرت دارند که باید مردان این وظایف را به خوبی ایفا کنند. جامعه‌ی ایران نیز به برکت پیروزی انقلاب اسلامی به تبعیت از دین اسلام این قوانین را در حقوق ایران گنجانده شده است تا زنان از حقوق خود محروم نشوند. یعنی در جامعه‌ی ایران حقوق زنان به تبعیت از دین اسلام به نحو احسن اجرا می‌شود با این وجود برخی کشورها در مباحث سیاسی اتهامات و ابهاماتی را در مورد حقوق زنان بر نظام جمهوری اسلامی ایران می‌زنند و جامعه‌ی ایرانی را طوری نشان می‌دهند که زنان در این جامعه از حقوق اولیه خود نیز محروم هستند. ولی در جامعه‌ی ایران نه تنها حقوق آنها ایفا می‌شود بلکه دارای حقوق اختصاصی هستند که قانونگذار نسبت به این حقوق سختگیری‌های فراوان دارد تا حقوق زنان به نحو احسن اجرا شود. حقوق اختصاصی زنان شامل مهریه، نفقه و حسن معاشرت است. نمونه‌ی عینی جامعه‌ی ایران، مصر است که احکام و قوانین این کشور نیز برگرفته از دین اسلام است و حقوق زنان نیز به تبع از دین اسلام در جامعه‌ی امروزی مصر رعایت می‌شود. این نشان دهنده‌ی این است که دین اسلام پشتوانه‌ی حقوق زنان در کشورهای اسلامی است لذا ظلم و ستم و یا محرومیتی از حقوق زنان دیده نمی‌شود. هر چند در برخی احکام با هم تفاوت دارند ولی حقوق زنان خصوصاً حقوق اختصاصی آن به خوبی ایفا می‌شود. بنابراین هدف در این تحقیق بررسی حقوق اختصاصی زنان در دو جامعه‌ی ایران و مصر است تا ابهامات و سوالات و حتی اتهاماتی که کشورهای دیگر بر علیه اسلام و ایران اسلامی زده می‌شود، پاسخ مناسبی داده شود که در این راه از آیات، روایات و نظرات محققان بهره برده می‌شود تا مشخص شود که حقوق اختصاصی زنان به نحو احسن اجرا و پیاده می‌شود.

۲-سوالات تحقیق

سوال اصلی در این تحقیق این است که در جامعه‌ی ایران، زنان دارای چه حقوق اختصاصی هستند و همین رویه در حقوق مصر چگونه است؟

۳-فرضیه

در جامعه ی ایران اسلامی زنان حقوق عمومی و خصوصی دارند که مردان باید این حقوق را خصوصا حقوق خصوصی را به نحو احسن اجرا کنند که عبارتند از: پرداخت مهریه، پرداخت نفقه، حسن معاشرت مرد نسبت به زن و حق المضاجه می باشند در جامعه ی مصر نیز حقوق زنان رعایت می شود.

۴-پیشینه ی تحقیق

با توجه به این که در سیاست کشورهای خارجی بر علیه ایران در مورد حقوق افراد خصوصا بانوان، ابهامات و اتهاماتی وارد است مثل این که زنان از حقوق عمومی و خصوصی محروم هستند و در تنگنا قرار دارند. لذا تبیین و تشریح حقوق اختصاصی زنان در جامعه ی ایران لازم و ضروری است و با حقوق زنان در قوانین مصر نیز مورد تطبیق قرار می گیرد تا تمایزات حقوق اختصاصی زنان جامعه ی ایران با مصر مشخص شود و تا حدودی از اتهامات و ابهامات وارده بر ایران کاسته شود. هر چند در این مورد تحقیقات مختصر و ناچیزی دیده می شود که به برخی اشاره می شود:

پیمان حکیم زاده خوئی، آرام رجب زاده و شهلا ستوده (۱۴۰۰) مقاله ای با عنوان: «اعتلای جایگاه حقوق بشری زنان با تأکید بر نظام حقوقی ایران» نوشته اند که در این تحقیق به برخی از حقوق زنان که در جامعه ی ایران به نحو احسن اجرا می شود اشاراتی دارند ولی به حقوق اختصاصی زنان که نشان دهنده ی اعتلای زنان در جامعه ی ایران هستند، دقت و توجه زیادی نکرده اند.

الهام نادرعلی (۱۳۹۹) مقاله ای با عنوان: «بررسی حقوق شهروندی زنان و مطالعه تطبیقی ایران، عربستان» نوشته است که در این تحقیق حقوق زنان در جامعه ی ایران را به صورت کلی با حقوق زنان در جامعه ی عربستان مورد مطابقت قرار داده است ولی به صورت موردی به حقوق اختصاصی زنان که در جامعه ی ایران از جایگاه بالایی دارند، ورود نکرده است.

مهدی مختاری و علی اصغر کاظمی زند (۱۳۹۷) مقاله ای با عنوان: «بررسی تطبیقی حقوق زن در قرآن و اعلامیه جهانی حقوق بشر» نوشته اند. در این تحقیق به برخی از حقوق زنان که امروزه در جامعه ی ایران رعایت می شود با حقوق زنان در حقوق بشر مورد تطبیق داده شده است. ولی در این تحقیق به برخی از حقوق اختصاصی و عمومی زنان در دین اسلام و جامعه ی ایران امروزی ورود پیدا کرده است.

اله وردی زاده حمید (۱۳۹۱) مقاله ای با عنوان: «بررسی تطبیقی حقوق زن (در حقوق جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها)» نوشته است که در این مقاله، حقوق زن در اسلام را با برخی از حقوق دیگر کشورها مورد مقایسه کرده است ولی به مسائل اختصاصی زنان که امروزه در جامعه ی ایران مشاهده و به خوبی اجرا می شود، اشاراتی نداشته است.

از این قبیل تحقیق در مورد زنان زیاد دیده می شود ولی در این تحقیق حقوق اختصاصی زنان در جامعه ی ایران اولاً مورد تبیین قرار می گیرد و ثانياً با قوانین مصر مورد مطابقت می گیرد تا ابهامات و اتهامات وارده بر حقوق زنان در جامعه ی ایران از طرف مجامع

بین‌المللی، برطرف شود و نشان داده شود که زنان در جامعه‌ی ایران به تمام حقوق خصوصی خود می‌رسند و این ابهامات و اتهامات به خاطر مشکلات سیاسی کشورهای دیگر با نظام جمهوری اسلامی ایران است.

۵- روش تحقیق

اطلاعات در تحقیق حاضر از منابع متنی و نوشتاری جمع‌آوری می‌شوند و پس از فیش برداری اطلاعات مربوط به هر بخش به صورت جداگانه مورد توصیف و تحلیل قرار گرفته و در بخش مربوطه نگارش می‌گردند و با توجه به تحقیقی بودن موضوع به منابع مختلف اعم از قوانین مدون ایران و مصر و منابع فقهی امامیه و عامه مراجعه می‌گردد.

۶- چارچوب نظری

۱-۶- حقوق اختصاصی زنان در جامعه‌ی ایران و مصر

از آنجا که حقوق و قوانین جامعه‌ی ایران بیشتر از فقه امامیه گرفته است لذا قانونگذار تمامی قوانین مورد نظر برای اداره‌ی جامعه‌ی ایران را از شرع اسلام مستفاد کرده است و در مورد حقوق اختصاصی زنان نیز همین رویه و عملکرد را داشته است. یعنی قوانینی که امروزه در جامعه‌ی ایران برای زنان به کار برده می‌شود از فقه امامیه گرفته شده است. در حقوق ایران و فقه امامیه، برای زنان حقوق اختصاصی در نظر گرفته شده است که مردان باید این حقوق را نسبت به حقوق دیگر زنان در اولویت خود قرار بدهند و در اجرای آن نهایت تلاش و کوشش خود را داشته باشند و قانونگذار نیز برای رعایت درست و صحیح این حقوق، ضمانت‌هایی را تدابیر دیده است. در ذیل به مهمترین حقوق اختصاصی زنان در جامعه‌ی ایران اشاره می‌شود:

۱-۱-۶- مهریه

در دین اسلام به مهریه توجه خاصی شده است چون نوعی حرمت بی نظیر در آن وجود دارد که در دیگر قوانین و ادیان دیگر وجود ندارد. مهریه اعتلا و ارج دادن به مقام زن است که برخاسته از دوست داشتن، صمیمیت و صفا و علاقه‌ی درونی است. مهریه در جامعه‌ی ایران نشان از احترام و ارج نهادن مردان به زنان است که در حقوق دیگر کشورها دیده نمی‌شود.

الف- تعریف مهریه

مهریه در زبان عربی با عنوانین چون صدق، فریضه، نحل، اجر به کار می‌رود و در زبان فارسی با عنوان کابین به کار می‌رود. (محقق داماد، بی تا: ۲۲۳). «قرآن مهر زن را «صدق» نامیده است، از آن جهت که پرداخت آن نشان صدق ادعای مرد در عشق و علاقه به همسرش است.» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴ / ۱۶۹). نحل به معنی عطیه است. (امامی، بی تا: ۲ / ۳۷۳) به گفته‌ی راغب اصفهانی از «نحل» به معنای زنبور عسل است؛ چون زنبور عسل بدون توقعی عسل خود را می‌بخشد. (راغب، ۱۴۱۲: ۷۹۵). «محققان در مورد نحل گفته‌اند: نحل یعنی بخشش از روی رضایت و طیب نفس است و دلیل اصلی کاربرد این واژه این است که مهریه جنبه‌ی پیشکشی و اهدایی دارد. (طاهری، ۱۴۱۸: ۳ / ۱۶۰؛ مکارم، ۱۳۷۱: ۳ / ۲۶۲؛ رضایی، ۱۳۸۷: ۴ / ۸۷)

خیلی از لغت شناسان عرب در تعریف مهریه گفته اند: مهر یعنی صدق زن و جمع مهره است (فیومی، بی تا: ۲ / ۵۸۲؛ زبیدی، ۱۴۱۲: ۷ / ۴۹۸).

مهریه در اصلاح مالی است که به واسطه آمیزش واجب می شود. (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۸ / ۱۵۷؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۲۴ / ۴۱۷؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۳۱ / ۲؛ امامی، بی تا: ۴ / ۳۷۸؛ طاهری، ۱۴۱۸: ۳ / ۱۶۳). مثل آنکه کسی زنی را به نکاح خود درآورده و به ۱۰۰ سکه بهار آزادی توافق می کنند که باید به زن بپردازد. پس می توان گفت: مهریه، مالی است که به واسطه عقد نکاح، زوج به زوجه می دهد.

ب- جایگاه مهریه در جامعه ی ایران

یکی از حقوق اختصاصی زنان که در جامعه ی ایران به تبعیت از فقه امامیه به طور کامل اجرا می شود، پرداخت مهریه توسط زوج به زوجه است. (طبق ماده ۱۰۸۷). با انعقاد عقد نکاح، زوج باید مهریه زوجه را بپردازد که این الزام مربوط به تملیک مهر، براساس حکم قانون است و ریشه ی قراردادی اصلا در آن وجود ندارد. بنابراین در جایی که زوجین سکوت کنند و مهریه را تعیین نکنند و یا حتی توافق بر عدم استحقاقی زن صورت گیرد؛ باز تکلیف ساقط نمی شود و وظیفه ی مرد است که مهریه ای به زن خود پرداخت کند. (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۱ / ۱۳۸).

طبق نظر حقوق دانان و فقها، با انعقاد عقد نکاح، زن مالک مهر می شود و می تواند هر گونه دخل و تصرف در آن داشته باشد. (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۱ / ۱۰۷) ولی برخی فقها قائل هستند که زوجه همزمان با عقد، نصف مهر را مالک شود و نصف دیگر آن، بعد از دخول و آمیزش مالک می شود. (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۱ / ۱۰۸)

پس با انعقاد عقد نکاح، زن مالک مهریه می شود و هرگونه دخل و تصرفی را در آن دارد. (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۵ / ۳۴؛ طاهری، ۱۴۱۸: ۳ / ۱۷۰)

البته راجع به ضمانت اجرا، زن حق دارد که تا مهر خود را دریافت نکند از تمکین خودداری کند. مشروط بر این که مهر او مدت دار نباشد یعنی حال باشد. (ماده ۱۰۸۵) و زن با اختیار خود تمکین نکرده باشد. (ماده ۱۰۸۶) این حق معروف به حق حبس است. (طاهری، ۱۴۱۸: ۳ / ۱۷۰) پس ضمانت اجرای مهریه زمانی است که مرد از دادن مهریه امتناع می کند لذا دادگاه می تواند او را به ادای دین مجبور کند. (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۱ / ۴۲)

با توجه به مطالب فوق می توان گفت: در جامعه ی امروزی ایران، زنان نسبت به عقد نکاح دارای حقوق خصوصی می شوند که مهریه نمونه ی بارز آن است که با انعقاد عقد نکاح، زنان مستحق مهریه می شوند که آن را به صورت حال یا مدت دار دریافت کنند و یا این که آن را ببخشند. مردان نیز این وظیفه را دارند که در صورت درخواست مهریه از سوی زوجه، مقدار مهریه را به طور کامل و تمام پرداخت کند و در صورت استنکاف از پرداخت مهریه، قاضی او را مجبور به پرداخت مهریه می کند. لذا قانونگذار در این گونه

موارد حامی و پشتیبان زنان است تا زنان به حقوق کامل خود برسند. این نشان دهنده این است که جامعه ی ایران به حقوق زنان اهمیت زیادی قائل است و حقوق زنان را به صورت کامل ایفا می کند حتی اگر مردان به خاطر ایفای حقوق زنان، زندانی شوند.

ج- جایگاه مهریه در جامعه ی مصر

در جامعه ی مصر، مهریه به عنوان عوض محسوب می شود چون حقوق این کشور از مذهب حنفی بر گرفته شده است و دیدگاه حنفی این است که مهری عوض است لذا نکاح را از عقود معاوضی می دانند. یعنی هر کدام از زوجه و زوج، در امور زناشویی عوض یکدیگرند ولی برخی دیگر قائل هستند که مهریه و صداق هدیه و پیشکش است. (ابن عربی، بی تا: ۳۱۷).

در حقوق مصر، مقدار مهریه حداقل مهریه ده درهم است، چرا که ملاک قطع دست سارق کمتر از آن نخواهد بود (شیخ السلامی، ۱۳۷۰: ۱۳۳). در حقوق مصر که برگرفته از فقه اسلام است، مقدار مهریه محدودیت ندارد مثلاً در ماده ی ۱۷۷ قانون احوال شارحین این قانون، در تبیین فلسفه آن شخصیه مصر مقرر می دارد: «لاحد لاقل المهر و لا لاکثره»: میزان مهر حداقل و اکثری ندارد. و هر شخص بنا به محل و سکونتش رسوم و عادات خاص خود را دارد، عدم می گویند: «چون مردم از حیث غنا و فقر متفاوت شود که هر شخصی با توجه به میزان دارایی و تمکن مالی خود و عادات قوم و قبیله اش نسبت به تعیین مهریه اقدام کند. در واقع این امر جهت تسهیل امر ازدواج است و ایجاد محدودیت آزادی طرفین ازدواج را در یک امر شخصی از بین می برد. اگر بخواهیم از مذهب مصریان در باب اقل مهریه پاسخ بگیریم، کمترین مهریه ده درهم است و اگر کمتر از آن عقد شود، عقد صحیح است ولی ده درهم واجب است (مغنیه، ۱۳۷۲: ۳۰۱). روایات زیادی حاکی از کراهت مهریه های سنگین در متون روایی عامه و خاصه یافت می شود، به طوری که کراهت مهریه سنگین مورد توجه علمای اخلاق نیز بوده و بعضی از علما کم بودن مهریه را از اسباب دوام زوجیت شمرده اند (غزالی، ۱۴۰۲: ۳۹۰).

پس در حقوق مصر نیز مهریه از حقوق زنان بر شمرده شده است و حداکثر و حداقلی ندارد ولی از مهریه سنگین نهی شده است لذا آنها در مورد مهریه به حداقل مهریه توجه دارند و ضمانت اجرای دریافت مهریه نیز همانند حقوق ایران است. یعنی مرد وظیفه دارد که مهریه زن خود را پرداخت کند وگرنه مجبور به پرداخت می شود. پس جایگاه مهریه در جامعه ی ایران و مصر شبیه هم هست ولی در برخی احکام باهم فرق دارند.

مهمترین فرق مهریه در جامعه ی ایران و مصر در این است که در حقوق مصر، مهریه به عنوان عوض محسوب می شود در حالی که در جامعه ی ایران، مهر عطیه بلاعوض الهی است که به نفع زنان مستقر شده است و «عوض بودن» آن، پنداری بی اساس است و ماهیت حقوقی مهر، نوعی هدیه خاص و قانونی است که زوج با الزام شرعی و قانونی، موظف به ادای آن در حق زوجه می شود تا در صورت لزوم، جبران خسارت برای زنان باشد. (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۷ / ۵۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۸ / ۱۵۸)

آنچه که ماهیت مهریه را بیان می کند و بیشتر فقها بر آن قائل هستند (حلی، ۱۴۰۷: ۳ / ۴۱۴؛ خوانساری، ۱۴۰۵: ۴ / ۴۲۴) در آیه چهارم سوره مبارکه نساء است «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً...» و مهر زنان را (بطور کامل) بعنوان یک بدهی (یا عطیه)، به آنان پردازید... این آیه به خوبی بیان می کند که مهریه عوض نیست بلکه مهریه، هبه و عطیه بلاعوض است که به نفع زنان مستقر شده و شارع و قانون گذار آن را واجب و لازم می دانند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴ / ۲۶۹؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۷ / ۳۰۵)

این نشان می دهد که حقوق زنان در جامعه ی ایران به طور کلی از از فقه پیروی می کند که نشان از اعتلای جایگاه زنان در دین اسلام و جامعه ی ایران دارد هر چند مهریه هبه و عطیه است ولی شارع و قانونگذار ضمانت اجرای آن سخت گرفته است تا زنان از دسترسی به حقوق اختصاصی محروم نشوند بلکه عزت و کرامت آنها حفظ شود.

۲-۱-۶- نفقه

از حقوق اختصاصی زنان که در جامعه ی ایران رعایت می شود و مرد باید مایحتاج زن خود را تامین کند، نفقه است.

الف-تعریف نفقه

نفقه در لغت یعنی انفاق کردن مال به دیگری است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۱۹) و در لسان فقها یعنی تهیه مایحتاج زنان از لباس گرفته تا غذا و مسکن و... می باشد. (طوسی، ۱۳۸۷: ۶ / ۳۶؛ حلی، ۱۴۲۱: ۲۰۷) در لسان حقوق دانان، «هر آن چیزی که برای گذران زندگی لازم و مورد نیاز است» (صفایی و امامی، ۱۳۸۵: ۳۹۳). در ماده «۱۱۰۷» ق. م به برخی از مصادیق نفقه اشاره شده است مثل پوشاک، مسکن، خوراک، ظروف و چیزهایی دیگری که متناسب با وضعیت زن است. پس منظور از نفقه زوجه عبارت است از نیازمندی های ضروری زندگی وی، از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن و... که زوج مکلف به تامین آن ها می باشد حتی اگر زن از خانواده ی بزرگی باشد و نیاز به خادم داشته باشد، مرد مکلف به تهیه آن است.

ب-جایگاه نفقه در جامعه ی ایران

از دید اسلام کلیه مایحتاج و هزینه خانواده خصوصا احتیاجات زنان بر عهده ی مردان است و زن در این رویه هیچ گونه مسئولیتی ندارد لذا مردان باید مخارج خانواده را تامین کنند حتی اگر زنان موسر و ثروتمند باشند. در هر حال نفقه واجب است. از مسلمات فقه و حقوق ایران شمرده می شود. البته فقها برای شرایط وجوب نفقه زوجه، معتقدند دو چیز از شرایط وجوب نفقه است: (جزیری، ۱۴۱۹: ۴ / ۶۵۵) ۱- دائم بودن نکاح ۲- تمکین زوجه. (ابن حمزه طوسی، ۱۳۹۰: ۲۸۵)

در جامعه ی ایران بر مردان واجب است که نفقه ی زنان خود را بدهند البته این وجوب نفقه زمانی است که عقد دائم باشد وگرنه در عقد موقت، نفقه واجب نمی باشد. (خمینی، ۱۴۲۵: ۳ / ۵۶۰) پس شوهر در اثر نکاح دائم، ملزم است که به زن خود انفاق کند. (ماده «۱۱۰۶» ق. م) در نکاح منقطع، شوهر ملزم به دادن نفقه نیست. (ماده «۱۱۱۳» ق. م).

شرط دیگری که برای دریافت نفقه در حقوق ایران و فقه لازم است که زن در قبال مرد خود تمکین کند وگرنه نفقه دادن واجب نمی باشد تا زن در ایفای زناشویی خود بر بیاید. (خمینی، ۱۴۲۵: ۳ / ۳۶۴؛ امامی، ۱۳۶۸: ۴ / ۴۵۳) ماده «۱۱۰۸» ق. م می گوید: «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود».

ولی اگر مردی حقوق اختصاصی زن یعنی نفقه را ندهد فقها در این صورت قائل بر حبس مرد هستند تا حقوق زن را به صورت کامل ایفا کند. (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲ / ۳۵۳؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۲۵ / ۱۳۸) چون در این مورد روایت نقل شده است که مرد به خاطر عدم ایفای نفقه ی زن خود، محبوس می شود تا مادامی که مایحتاج زن خود را به نحو احسن اجرا کند. (اشعث کوفی، ۱۳۸۲: ۱۰۸، نوری، ۱۴۰۸: ۱۳ / ۴۳۲)

در جامعه ی ایران نیز امروزه همین رویه عملاً اجرا می شود یعنی مرد باید حقوق اختصاصی زن یعنی نفقه را بدهد ولی اگر در اجرای آن استنکاف کند، قاضی او را مجبور به اجرای این امر شرعی می کند. حتی زن می تواند نسبت به نفقه های گذشته نیز درخواست استرداد کند و مایحتاج قبلی که شوهر به هر نحوی از زیر بار مسئولیت آن فرار کرده است، را بخواهد و مرد نیز باید به نحو احسن آن را ایفا کند.

ج- جایگاه نفقه در جامعه ی مصر

در خصوص الزام و تکلیف زوج به انفاق نسبت به زوجه و پرداخت هزینه های مربوط به زندگی و مخارج او، در قوانین مصر ردپایی از آنها وجود دارد. قانون گذار مصر بر این عقیده است چون مردان ریاست خانواده را بر عهده دارند لذا این ریاست بر زوجه و اولاد دلیل بر دادن نفقه و مایحتاج آنان است. مثلاً طبق ماده ی ۱۳۹۱ قانون احوال شخصیه، زوج بر اساس جایگاه اجتماعی و مقام و منصب و میزان درآمد باید نفقه ی زوجه را پرداخت کند. (کامل، ۱۹۸۵: ۲۹۹) و طبق ماده یک قانون احوال شخصیه مصر (مصوب ۱۹۸۵) از زمان وقوع عقد نگاه بین زوج و زوجه، نفقه نیز وجوب پیدا می کند که مرد ملزم به ادای آن است.

در ماده ۴۱ قانون عربی مصر (مصوب ۱۹۲۰/۰۷/۱۲) تأکید زیادی شده است که شوهر باید نفقه زن خود را بدهد. (ابراهیم بک، ۱۴۲۴: ۱۰۰۸). در ماده ۲۴ همین قانون آمده است که تا مادامی که زوجه تمکین می کند مستحق نفقه است ولی اگر زوج با وجود تمکین همسرش، از دادن نفقه امتناع کند، دین بر گردن و ذمه اوست و هیچ گاه ساقط نمی شود تا زمانی که توسط زوج ادا شود و یا زن او را عفو کند. (خروقه، ۱۳۸۱: ۳۱۷).

پس در جامعه ی مصر نیز مردان مکلف هستند که نفقه ی زنان خود را بدهند و این به خاطر ریاست مردان بر زنان هستند. (کامل، ۱۹۸۵: ۲۹۹). ولی ضمانت اجرایی که به وضوح نشان دهد که زنان به حقوق خود می رسند در قوانین مصر مشاهده نشده است. یعنی در صورتی که زن تمکین کرده است ولی شوهر نفقه خانم خود را نمی دهد. لذا ضمانتی برای گرفتن آن تدابیر نشده است چون در قوانین مصر به این امر اشاره ای نشده است. این در حالی است در جامعه ی ایران الزامات سختی برای تادیه نفقه زوجه وجود دارد یعنی زوج مجبور به پرداخت نفقه می شود تا زوجه به حق و حقوق خود برسد و از حقوق خصوصی محروم نشود.

۱-۳-۶- حسن معاشرت

یکی دیگر از حقوق اختصاصی زنان این است که مردان با آنان حسن معاشرت داشته باشند وگرنه مجبور به الزام به آن می شوند.

الف- منظور از حسن معاشرت

هر چند حسن معاشرت در جامعه ی ایران بر عهده ی زوجین است ولی چون زنان از لحاظ روحی و روانی نیاز بیشتر به مهر و محبت دارند لذا در فقه اسلام این بر عهده ی زوج ها قرار گرفته است چنان که قرآن کریم در این مورد بیان می کند: «... وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...» (نساء: ۱۹) و با آنان، بطور شایسته رفتار کنید.

طبق این آیه، زوج ها باید با توجه های خود در محیط خانواده خوش برخورد، خوش اخلاق و مهربان باشند. قرآن کریم این وظیفه مهم را بر عهده ی مردان گذاشته است تا مهر و محبت در خانواده رونق پیدا کند و توجه نیز احساس کمبود محبت نکند و خانواده متلاشی نشود. برای شفاف شدن آیه و معنای حسن معاشرت نظرات برخی از مفسران بیان می شود: عاشروهن از ریشه عشر می باشد و به باب مفاعله رفته است و در لغت به معنی به معنی مصاحبت و مخالطه است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴/۵۷۴)

مفسران همگی بر این عقیده اند که مردان موظف هستند که با زنان خود، حسن معاشرت داشته باشند (شیخ طوسی، بی تا: ۳/۱۵۰؛ طبرسی، بی تا: ۵/۷۹).

برخی دیگر گفته اند منظور این است که به حق زنان وفا کنند از مهریه، نفقه، همجواری، ترک آزار و اذیت آن و اعراض از آنها و عبوس کردن با چهره و... (ابن قتیبه، ۱۴۱۱: ۱۰۸؛ سمرقندی، ۱۴۱۶: ۱/۲۹۰؛ طبرانی، ۲۰۰۸: ۲/۲۰۹). برخی دیگر گفته اند: مردان باید با زنان خود سخن طیب، بهترین فعل و عمل و شکل را انجام بدهند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۱/۲۰۰)

پس از دیدگاه مفسران مردان باید به زنان خود در مطلق کارها، رفتارها و کردارها با حسن رفتار کنند و دل آنها را به درد نیاورند.

ب- جایگاه حسن معاشرت در جامعه ی ایران

طبق دین اسلام مردان باید به حقوق اختصاصی زنان توجه کرده و در اجرای آن نهایت سعی خود را داشته باشند خصوصا در مسائل عاطفی و رفتاری که زنان روحیه لطیف و ساده ای دارند. لذا در دین اسلام بر عهده ی مردان است که با زنان حسن معاشرت داشته باشند.

یعنی مردان باید با زنان معاشرت هایی که میان مسلمانان معروف است آنها را انجام بدهند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴/۴۰۴) به عبارت دیگر مردان در زندگی خود باید با زنان خود تمامی حسن معاشرت ها را باید انجام دهند یعنی وظیفه دارند که با زنان خود خوب رفتار کنند حال با سخن گفتن، حال با ابراز علاقه، محبت، شادی، حال با رفتار و کردار، حال با کنایه یا هر چیز دیگر که باشد. چون امروزه در برخی کشورها دیده می شود که مردان به هیچ وظیفه ی خود عمل نمی کردند و حتی برای زن ارزشی قائل نیستند. ولی در دین اسلام بر این امر اهتمام زیادی شده است. اگرچه از نظر اخلاقی داشتن رفتاری خوش هم وظیفه مرد است و هم زن و از روی عقل هم رعایت این قاعده برای کیان خانواده و حسن جریان روند تکامل روحی و معنوی آن دو ضروری است، ولیکن قانون اسلام آن را وظیفه خاص مرد و حق اختصاصی زن قرار داده است، مشروط بر آنکه خود زن نیز به آن علاقمند باشد و اسباب و امکانات ظاهری آن را برای مرد

فراهم و به وی کمک کند. امروزه نیز در جامعه ی ایران قانونگذار به دنبال این است که در زندگی ها، حسن معاشرت انجام بگیرد و زنان از حقوق اختصاصی خود محروم نشوند لذا تدابیر زیادی در این مورد اندیشه است تا حسن معاشرت در زندگی ها برقرار بماند.

ج- جایگاه حسن معاشرت در جامعه ی مصر

در جامعه ی مصر نیز حق معاشرت در قوانین آمده است که این تکلیف بیشتر برای مردان است. یعنی مردان وظیفه دارند که به بهترین نحو ممکن با همسر خود رفتار کنند. «صفایی، ۱۳۸۴: ۱۸۱».

مثلا در ماده ی ۴۰ قانون عربی مصر یکی از حقوق متقابل زوج و زوجه، حسن معاشرت و تبادل عطف و احترام بین آنها را اشاره کرده است. (ابراهیم بک، ۱۴۲۴: ۱۰۰۸).

هر چند که در جامعه ی ایران نیز حسن معاشرت بر عهده ی زوجین است ولی رعایت آن توسط زوج امری غیر قابل انکار است چنان که رعایت حسن معاشرت از حقوق اختصاصی زنان محسوب می شود در حالی که در جامعه ی مصر این وظیفه به نسبت مساوی میان زوجین تقسیم شده است.

نتیجه گیری

در دین اسلام به حقوق عمومی و اختصاصی زنان اشاره شده است که از مهمترین حقوق اختصاصی زنان می توان به مهریه، نفقه و حسن معاشرت اشاره کرد. قوانین ایران نیز از دین اسلام و فقه امامیه گرفته شده است لذا جامعه ی ایران نیز به تبعیت از فقه، این حقوق اختصاصی زنان را به رسمیت شناخته است و برای استحقاق آن، تلاش های زیادی صورت داده است. لذا در جامعه ایران، مردان نسبت به زنان باید سه کار را انجام بدهند: اول در آستان عقد نکاح، با توجه به توافق گذشته، مرد باید مهریه زن را که یک عطیه و هبه محسوب می شود به تملک زوجه برساند یا مدتی را برای ادای آن مرد مشخص نماید یا این که از حق اختصاصی خود بگذرد. دومین کار این است که مرد تمام مایحتاج زن خود را از مسکن، خوراک، پوشاک و حتی هزینه های بیماری ها تامین کند و در صورت استنکاف زوج از دادن نفقه، دادگاه زوج را مجبور با ادای تکلیف می کند یعنی او را مجبور می کند که به حق اختصاصی زن (نفقه) برسد. حتی زن می تواند نفقه های فوت شده ی قبلی خود را نیز از زوج دریافت کند چون این حق اختصاصی زن است و هیچ گاه از بین نمی رود.

در جامعه ی مصر نیز به تبعیت از دین اسلام، قوانین برگرفته از دین اسلام است و در مورد حقوق زنان نیز قوانینی تصویب و در جامعه ی مصر به کار برده می شود. فرقی که حقوق زنان در جامعه ی ایران با جامعه ی مصر دارند در این است که در جامعه ی ایران حقوق زنان به حقوق عمومی و خصوصی تقسیم می شود و قانونگذار برای ایفای حقوق اختصاصی زنان تلاش های زیادی به عمل می آورد ولی در جامعه ی مصر، حقوق عمومی زنان مورد عملکرد است و حقوق اختصاصی زنان چون مهریه، نفقه و حسن معاشرت به صورت عمومی برای زنان بیان شده است و قانونگذار آنها را در مورد حقوق عمومی زنان می داند و برای ایفای آن نیز الزامات تدابیر دیده است. در حالی که در جامعه ی ایران حقوق اختصاصی زنان نیز مورد توجه است و قانونگذار برای استیفای این حقوق، تدابیر سختی دیده است و حتی اگر زوج ها راهی زندان شوند چون قانونگذار برای استیفای حقوق زنان تدابیر این چنینی دیده است. مثلا اگر زوج مهریه و نفقه زوجه ی خود را نپردازد، دادگاه او را مکلف به اجرای مهریه و نفقه می کند. یا این که زوج در قبال

همسرش حسن معاشرت ندارد لذا زن با شکایت خود، دادگاه را به یاری خود برساند و دادگاه اجرای حسن معاشرت را همسر وی بخواهد.

این مقاله حاصل بخشی از تحقیقات انجام شده مربوط به رساله دکتری خانم سارا پزشکی می باشد. که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات انجام شده است. در پایان لازم می دانم از اساتید گرانمایه ام که مسئولانه و صمیمانه در تدوین و نگارش این جستار، حقیر را راهنمایی نموده اند، کمال امتنان خویش را اعلام نمایم.

منابع و ماخذ

*قرآن کریم.

الف) منابع فارسی

۱. امامی، سیدحسن (۱۳۶۸ - بی تا). حقوق مدنی، تهران: انتشارات اسلامی.
۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). تسنیم، قم: اسراء.
۳. خمینی، سید روح (۱۴۲۵). تحریر الوسیله، علی اسلامی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷). تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن.
۵. شیخ الاسلامی، سید اسعد، (۱۳۷۰). احوال شخصیه، تهران: مرکز نشر دانشگاه تهران.
۶. صفایی، سید حسین (۱۳۸۴). بررسی تطبیقی حقوق خانواده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. صفایی و امامی، حسین، مرتضی (۱۳۸۵). مختصر حقوق خانواده، تهران: سمت.
۸. طاهری، حبیب الله (۱۴۱۸). حقوق مدنی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۹. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن (بی تا). تفسیر مجمع البیان، ترجمه گروهی از ترجمان، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳). حقوق خانواده، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۲. محقق داماد، سید مصطفی (بی تا) بررسی فقهی حقوق خانواده - نکاح و انحلال آن، قم: بی نا.

۱۳. مغنیه، محمدجواد (۱۳۷۲). فقه تطبیقی مذاهب پنجگانه، ترجمه: کاظم پورجوادی، تهران: نشر جهاد دانشگاهی ماجد.

۱۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

ب) منابع عربی

۱. ابن حمزه، اصفهانی (۱۳۹۰). وسیله النجاه، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

۲. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۱). تفسیر غریب القرآن، بیروت: دار و مکتبه الهلال. ه.ق.

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴.

۴. ابراهیم بک، احمد، (۱۴۲۴ ق)، احکام الاحوال الشخصیه فی الشریعه الاسلامیه و القانون معلقا علیها، قاهره: المکتبه

الازهریه للتراث.

۵. جزیری، عبد الرحمن (۱۴۱۹). الفقه علی المذاهب الأربعة، بیروت: دار الثقلین.

۶. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه، تهران: اسلامیه.

۷. حلی، احمد (۱۴۰۷). المذهب البارع، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۸. خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵). جامع المدارک، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

۹. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲). مفردات ألفاظ القرآن، لبنان: دار العلم.

۱۰. خروفه، علاءالدین (۱۳۸۷). شرح القانون الاحوال الشخصیه، بغداد: مطبعه العانی.

۱۱. زبیدی، مرتضی (۱۴۱۴). تاج العروس، بیروت: دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع.

۱۲. سمرقندی، نصر (۱۴۱۶). بحر العلوم، بیروت: دار الفکر.

۱۳. شهید ثانی، زین الدین (۱۴۱۳). مسالک الأفهام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.

۱۴. شیخ طوسی، محمد (۱۳۸۷). المبسوط، تهران: مرتضویه.

۱۵. شیخ طوسی، محمد (بی تا) تفسیر التبیان، لبنان: دارالعلم للملایین.

۱۶. طبرانی، سلیمان (۲۰۰۸). التفسیر الکبیر، اربد: دار الکتب الثقافی.

۱۷. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰)، المیزان فی التفسیر القرآن، قم: دارالکتب الاسلامیه.

۱۸. علامه حلی، حسن (۱۴۱۱). مختلف الشیعه، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۹. علامه حلی، حسن (۱۴۲۱). تلخیص المرام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۲۰. غزالی، ابو حامد (۱۴۰۲). احياء علوم الدين، بيروت: دارالمعرفة.
۲۱. فاضل هندی (۱۴۱۰). كشف اللثام، قم: حوزة علميه قم.
۲۲. فيومي، احمد (بی تا). المصباح المنير، منشورات دار الرضى، قم، بی تا.
۲۳. فيض كاشاني، محسن (۱۴۱۸). الأصفى فى تفسير القرآن، قم: مكتب الإعلام الإسلامى.
۲۴. كامل، عثمان (۱۹۵۸ م). الاحوال الشخصيه للاجانب و المصريين، القاهرة: مطبعة الفحاله الجديده.
۲۵. كوفى، محمد بن محمد اشعث (۱۳۸۲). الجعفریات - الأشعثیات، تهران: مكتبة نينوى الحديثه.
۲۶. محقق حلى، سعيد (۱۴۰۸). شرايع الاسلام، قم: موسسه ى اسماعيليان.
۲۷. ناجى، محسن (۱۹۶۲). شرح قانون الاحوال اشخصيه، بغداد: مطبعة الرابطه.
۲۸. نجفى، محمد حسن (۱۴۰۴). جواهر الكلام، بيروت: دار إحياء التراث العربى.
۲۹. نورى، حسين (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل، بيروت: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.